

بررسی تأثیر نظام راهبردی شرکتی بر اندازه مؤسسه حسابرسی منتخب شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

غلامحسین مهدوی^۱ / محمد منفرد مهارلوئی^۲ / فهیمه ابراهیمی^۳

چکیده

بر اساس ادبیات تئوری نمایندگی، با افزایش تعارضات نمایندگی، تمایل واحدهای اقتصادی به انتخاب مؤسسات حسابرسی مستقل افزایش می‌یابد. از این رو، در این پژوهش با استفاده از نمونه‌ای شامل ۷۱۱ مشاهده سال-شرکت طی سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۸، تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر انتخاب مؤسسات حسابرسی به وسیله شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق از مدل رگرسیون لجستیک با استفاده از داده‌های ترکیبی (ادغام شده) استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این است که بین درصد مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت با اندازه حسابرس رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد. با این وجود، نتایج مربوط به متغیرهای درصد اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره و نسبت بدهی نشان‌دهنده این است که ترکیب هیأت‌مدیره و نقش نظارت اعتباردهندگان تأثیر معنی‌داری بر اندازه حسابرس منتخب ندارد. نتایج مربوط به متغیرهای کنترلی نیز بیانگر این است که بین متغیرهای نسبت گردش دارایی‌ها و اندازه شرکت با اندازه مؤسسه حسابرسی منتخب رابطه معنی‌دار و مثبت و بین متغیر نسبت گردش دارایی‌ها و اندازه مؤسسه حسابرسی منتخب رابطه معنی‌دار و منفی وجود دارد. با این وجود، نتایج مربوط به متغیر بازده دارایی‌ها و از متغیرهای مجازی صنعت بیانگر این است که به طور کلی، اندازه حسابرس منتخب در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تحت تأثیر این متغیرها قرار ندارد.

واژگان کلیدی: نظام راهبری شرکتی، اندازه مؤسسه حسابرسی، سازمان حسابرسی، ساختار مالکیت

طبقه‌بندی موضوعی: M42, G34

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

۲. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، گروه حسابداری

۳. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد صفاشهر، گروه حسابداری

۱- مقدمه

افشای نامناسب و ناکافی در گزارش‌های مالی و عدم شفافیت اطلاعاتی در شرکت‌ها موجب می‌شود که مشکلات ناشی از تفکیک مالکیت از مدیریت افزایش یابد (Fan, et al., 2005). عدم ارائه اطلاعات مالی مربوط و قابل اعتماد، زیان‌های اقتصادی جبران‌ناپذیری را برای سهامداران و سایر ذینفعان برون‌سازمانی به دنبال دارد. در این بین، حسابرسی مستقل از طریق اعتباردهی به صورت‌های مالی، تضمین قابلیت اتکا و تأیید کیفیت اطلاعات مالی، موجب حمایت از حقوق تمامی ذینفعان شرکت می‌شود. افزون بر این، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذینفعان برای ارزیابی عملکرد مالی واحدهای تجاری مختلف و تصمیم‌گیری در مورد موقعیت‌های گوناگون سرمایه‌گذاری، به نتایج حسابرسی انجام شده به وسیله مؤسسات حسابرسی مستقل اتکا می‌کنند. از این رو، هر چه کیفیت حسابرسی بیشتر باشد، ارزش، اعتبار و قابلیت پذیرش آن به وسیله استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی افزایش می‌یابد (Ashbaugh, et al., 2003). از طرفی، کیفیت حسابرسی که به صورت مستقیم با حاکمیت شرکتی و ساز و کارهای نظارتی در ارتباط است، دارای یک ساختار پنهان و چندبعدی است (Lin, et al., 2009). بنابراین، تعریف جامعی از کیفیت حسابرسی که در برگیرنده همه انواع حسابرسی و حسابرس باشد وجود ندارد (مهدوی و کارجوی رافع، ۱۳۴: ۱۳۸۴). از این رو، معیارهایی نظیر اندازه مؤسسات حسابرسی، قدمت و نام تجاری مؤسسات به عنوان جانشینی برای کیفیت حسابرسی در نظر گرفته می‌شود (Francis, et al., 1988 ; Kane, et al., 2004). نتایج برخی از پژوهش‌های تجربی انجام شده نیز بیانگر این است که مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ، کیفیت بیشتری در کار حسابرسی پدید می‌آورند. در همین راستا، دی‌آنجلو (DeAngelo, 1981) نیز چنین ابراز می‌دارد که کیفیت مؤسسات حسابرسی با اندازه مؤسسه حسابرسی و سهم این مؤسسات از بازار حسابرسی رابطه مستقیم دارد. با این وجود، برخی از شواهد بیانگر این است که مؤسسات حسابرسی بزرگ همواره کیفیت حسابرسی بالاتری نسبت به مؤسسات حسابرسی کوچک ارائه نمی‌کنند (حساس یگانه و آذین‌فر، ۱۳۸۹).

افزون بر این، حسابرسی مستقل به عنوان یک ساز و کار مناسب در کنترل روابط قراردادی بین مدیران و سهامداران محسوب می‌شود و در اغلب پژوهش‌های انجام شده در زمینه رابطه متقابل تئوری نمایندگی و حسابرسی نیز تأثیر ساز و کارهای راهبری شرکتی بر احتمال انتخاب مؤسسات حسابرسی با کیفیت بالا مورد بررسی قرار گرفته است. از این رو، با توجه به تفاوت در ساختار راهبری شرکت‌های ایرانی در دوره‌های زمانی مختلف، این سؤال مطرح می‌شود که وجود گروه‌های مختلف

مالکان در ترکیب سهامداران شرکت‌ها، وجود نسبت‌های متفاوت از اعضای موظف و غیرموظف در ترکیب هیأت‌مدیره و تفاوت در سایر ساز و کارهای نظارتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بر انتخاب مؤسسات حسابرسی مؤثر است یا خیر؟

۲- ادبیات پژوهش

۲-۱- تئوری نمایندگی و بازار خدمات حسابرسی

رابطه نمایندگی قراردادی است که براساس آن یک یا چند نفر مالک، شخص دیگری را به عنوان نماینده یا عامل از جانب خود منصوب و اختیار تصمیم‌گیری را به او تفویض می‌کنند (Jensen, et al., 1976). مطابق با نظریات والاس (Wallace, 1980)، مفاهیم ضمنی مستتر در رابطه نمایندگی بیانگر این است که منافع و علایق شخصی نمایندگان الزاماً با منافع شخصی مالکان همسویی ندارد. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که فعالیت‌ها و اقدامات مدیران لزوماً موجب به حداکثر رساندن ثروت و رفاه مالکان نمی‌شود. بر اساس مفاهیم موجود در نظریه‌های اقتصادی، نظیر مفهوم انتظارات منطقی و عقلایی، مالکان می‌توانند آثار ناشی از نبود همسویی میان منافع نمایندگان، با منافع و علایق خویش را برآورد کنند و براساس چنین برآوردی، حقوق و مزایای نمایندگان را تعدیل کنند. از سوی دیگر، مدیران حاضرند برای حفظ منافع خویش، مبالغی را از محل منابع خود صرف کنند تا نوعی تضمین و اطمینان برای حفظ منافع مالکان یا جبران خسارت‌های وارده به آن‌ها به وجود آورند. به عنوان نمونه، مدیران همواره می‌کوشند با صرف هزینه و استفاده از خدمات حسابرسی مستقل، اعتبار صورت‌های مالی و سایر گزارش‌هایی را که به صورت ضمنی بیانگر آثار مالی ناشی از عملکرد آن‌ها در جهت تخصیص منابع هستند را افزایش دهند (امیر اصلانی، ۱۳۸۱). در نتیجه، توانمندی مالکان در تعدیل بهای خدمات نمایندگان موجب می‌شود تا انگیزه لازم جهت تقاضا برای خدمات حسابرسی و سایر ساز و کارهای نظارتی به عنوان عامل بازدارنده کاهش در حقوق و مزایا در نزد نمایندگان شکل گیرد. نتایج اغلب پژوهش‌های انجام شده در حوزه تئوری نمایندگی نیز حاکی از آن است که با افزایش تعارضات نمایندگی، میزان تقاضا برای کیفیت خدمات حسابرسی و اعتباردهی به اطلاعات افشا شده توسط مدیریت افزایش می‌یابد (Francis, et al., 1988). در برخی از پژوهش‌ها نیز تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی نظیر مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت، ترکیب هیأت‌مدیره، اهرم مالی و... بر انتخاب مؤسسات حسابرسی با کیفیت بالا مورد بررسی قرار گرفته است. (Fargher, et al., 2001)؛ (Kane & Velury, 2004)؛ (Wang et al., 2008)؛

(Guedhami et al., 2009)؛ (Lin & Liu, 2009)؛ (Niskanen et al., 2009)

مالکیت نهادی: مطابق با ادبیات موجود، سرمایه‌گذاران نهادی شامل بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و سایر مؤسسه‌هایی هستند که به خرید و فروش حجم بالایی از اوراق بهادار می‌پردازند (نوروش و همکاران، ۶: ۱۳۸۸)، و با استفاده از میزان بالای حق رأی در مجامع شرکت‌ها به صورت مستقیم بر تصمیمات مدیریتی شرکت‌های سرمایه‌پذیر مؤثر هستند (Kane, et al., 2004). از این رو، فرض بر این است که با افزایش درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی، میزان تقاضا برای خدمات حسابرسی با کیفیت بالا افزایش می‌یابد. به اعتقاد اشباو و همکاران (Ashbaugh, et al., 2003) مالکیت بانک‌ها باعث افزایش احتمال انتخاب مؤسسات حسابرسی بزرگ می‌شود. کان و همکاران (Kane, et al., 2004) نیز معتقدند که شرکت‌های با سطح مالکیت نهادی بالاتر با احتمال بیشتری توسط مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر، حسابرسی می‌شوند. همچنین، چان و همکاران (Chan, et al., 2007) نیز بر این عقیده هستند که افزایش در مالکیت نهادی باعث افزایش تقاضا برای خدمات حسابرسی با کیفیت بالا می‌شود.

تمرکز مالکیت: مطابق با ادبیات تئوری نمایندگی، تمرکز مالکیت باعث بهبود نظارت بر عملکرد مدیریت و کاهش هزینه‌های نمایندگی ناشی از ریسک عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و مالکان می‌شود. در نتیجه در شرکت‌های با ساختار مالکیت متمرکز، با توجه به اصل منفعت - هزینه، احتمال انتخاب مؤسسات حسابرسی بزرگ کاهش می‌یابد (Ashbaugh, 2003). اما، فرانسیس و همکاران (Francis, et al., 1988) و پیوت (Piot, 2001) نشان دادند که بین ساختار مالکیت متمرکز و احتمال انتخاب مؤسسات حسابرسی بزرگ رابطه معنی‌دار ضعیفی وجود دارد.

توکب هیأت‌مدیره: پژوهش‌های انجام شده در حوزه حاکمیت هیأت‌مدیره بیانگر این است که اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره با بکارگیری مؤسسات حسابرسی با کیفیت بالاتر، به دنبال افزایش کیفیت نظارت بر عملکرد مدیریت و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی هستند (Beasley, et al., 2001). در این زمینه، بسلی و همکاران (Beasley, et al., 2001) پس از کنترل متغیرهای اندازه، ساختار مالکیت و اهرم مالی شرکت‌ها نشان دادند که در شرکت‌های مورد بررسی افزایش درصد اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره باعث افزایش احتمال انتخاب مؤسسات حسابرسی بزرگ می‌شود.

اهرم مالی: نظر به اینکه قراردادهای بدهی عموماً بر مبنای معیارهای حسابداری وضع می‌شوند، اعتباردهندگان از انگیزه لازم برای نظارت بر عملکرد مدیریت و ایجاد اطمینان از نبود تحریف با اهمیت در صورت‌های مالی برخوردار هستند (Kane, et al., 2004). بنابراین، مطابق با نظرات

دیفوند (DeFond, 1992) اهرم مالی یکی از عوامل موثر بر تقاضا برای خدمات حسابرسی است. همچنین، اشباو و همکاران (Ashbaugh, et al., 2003) و لین و همکاران (Lin, et al., 2009) نیز معتقدند که افزایش در اهرم مالی باعث افزایش احتمال انتخاب مؤسسات حسابرسی بزرگ می‌شود.

۲-۲- پیشینه پژوهش

فارگر و همکاران (Fargher, et al., 2001) با استفاده از نمونه‌ای شامل ۷۹۶ مشاهده از ۲۰ کشور مختلف طی سال ۱۹۹۴، به بررسی تقاضا برای شهرت مؤسسات حسابرسی در بازارهای بین‌المللی پرداختند. نتایج حاصل از بررسی رابطه بین متغیرهای اندازه شرکت، اهرم مالی، ویژگی‌های افشا، تولید ناخالص داخلی و لگاریتم طبیعی حق‌الزحمه حسابرسی با انتخاب ۶ حسابرس بزرگ بیانگر این بود که ویژگی‌های افشا، تنها عوامل انتخاب مؤسسات حسابرسی بزرگ هستند.

کان و همکاران (Kane, et al., 2004) نقش مالکیت نهادی در بازار خدمات حسابرسی را مورد بررسی و مطالعه قرار دادند. نتایج حاصل از بررسی ۷۵۸۲ مشاهده طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ نشان داد که میزان مالکیت نهادی به صورت مثبت و معنی‌داری با اندازه حسابرس در ارتباط است. همچنین، اندازه شرکت و نسبت بدهی بلندمدت به کل دارایی‌ها نیز دارای رابطه مثبت و معنی‌داری با احتمال انتخاب مؤسسات حسابرسی بزرگ هستند.

وانگ و همکاران (Wang, et al., 2008) با بررسی ۵۷۵۹ صاحبکار چینی طی سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های دولتی در مقایسه با شرکت‌های غیردولتی تمایل بیشتری به استفاده از حسابرسان کوچک محلی دارند.

نیسکانن و همکاران (Niskanen, et al., 2009) با استفاده از اطلاعات نمونه‌ای شامل ۴۷۸ شرکت فنلاندی طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ به بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و تقاضا برای کیفیت حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها عبارت بودند از:

- ۱- افزایش مالکیت دولتی باعث کاهش احتمال انتخاب حسابرس بزرگ می‌شود.
- ۲- با افزایش در اندازه شرکت‌ها و افزایش در میزان فروش خارجی شرکت‌های مورد بررسی احتمال انتخاب مؤسسات حسابرسی بزرگ افزایش می‌یابد.
- ۳- در شرکت‌های بزرگ و شرکت‌هایی که در آن‌ها درصد مالکیت مدیران بیشتر از ۵۰٪ است، افزایش اهرم مالی باعث افزایش احتمال انتخاب ۴ مؤسسه حسابرسی بزرگ می‌شود.

لین و همکاران (Lin, et al., 2009) به بررسی تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر انتخاب مؤسسات حسابرسی بزرگ پرداختند. نتایج حاصل از بررسی نمونه‌ای شامل ۱۸۴ شرکت طی دوره زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ بیانگر این بود که اعمال کنترل توسط سهامداران عمده و یکسان بودن مدیر عامل و رئیس هیأت‌مدیره باعث کاهش احتمال انتخاب ۱۰ حسابرس بزرگ چینی می‌شود.

گیودهامی و همکاران (Guedhami, et al., 2009) با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۱۷۶ شرکت خصوصی از ۲۱ کشور در حال توسعه و ۱۱ کشور توسعه‌یافته طی دوره زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۲، به بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر انتخاب مؤسسات حسابرسی پرداختند. آن‌ها، پس از کنترل عوامل مربوط به اندازه شرکت، اهرم مالی، نسبت موجودی کالا بر کل دارایی‌ها، رشد فروش و تولید ناخالص داخلی سرانه، به این نتیجه رسیدند که در شرکت‌های مورد مطالعه مالکیت دولتی و مالکیت خارجی دارای رابطه معنی‌دار منفی با انتخاب ۴ مؤسسه حسابرسی بزرگ هستند.

حسین و همکاران (Hossain, et al., 2010) با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۲۸۲ شرکت پذیرفته شده در ۱۶ بازار نوظهور به این نتیجه رسیدند که بین کیفیت راهبری شرکتی و اندازه مؤسسه حسابرسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و این ارتباط به وسیله میزان حمایت قانونی از سهامداران اقلیت در سطح کشور تقویت می‌شود.

رضازاده و همکاران (۱۳۸۶) عوامل مؤثر بر تغییر حسابرسان در شرکت‌های ایرانی را مورد بررسی قرار دادند. نمونه مورد مطالعه شامل ۷۴ شرکت مشتمل بر دو گروه ۳۷ شرکتی با تغییر حسابرس و بدون تغییر حسابرس طی سال ۱۳۸۱ بود. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که حق‌الزحمه حسابرسی، کیفیت کار حسابرسان، تغییر ترکیب مدیران شرکت و اندازه شرکت‌های مورد بررسی، بر تغییر حسابرسان تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

۳- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری پژوهش، به منظور بررسی تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر انتخاب مؤسسات حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۴ فرضیه به شرح زیر طراحی و مورد آزمون قرار گرفت.

فرضیه اول: بین درصد مالکیت نهادی و اندازه مؤسسه حسابرسی منتخب در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین تمرکز مالکیت و اندازه مؤسسه حسابرسی منتخب در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین درصد اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره و اندازه مؤسسه حسابرسی منتخب در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها و اندازه مؤسسه حسابرسی منتخب در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۴- روش‌شناسی و طرح پژوهش

۴-۱- نحوه جمع‌آوری داده‌ها

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی است. طرح آن از نوع پژوهش‌های شبه تجربی و پس‌رویدادی است و با استفاده از اطلاعات تاریخی انجام می‌شود. برای گردآوری اطلاعات نظری پژوهش از نشریات، کتب و همچنین پایگاه‌های اطلاعاتی در دسترس استفاده شده است. همچنین، داده‌های مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل، از اطلاعات صورت‌های مالی حسابرسی شده و گزارش هیأت‌مدیره به مجمع عمومی عادی شرکت‌ها استخراج شده است.

۴-۲- جامعه آماری و نمونه پژوهش

دوره زمانی این پژوهش ۹ سال، از سال ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۸، و جامعه آماری این پژوهش متشکل از کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تا ابتدای سال ۱۳۸۰ است. شرکت‌های مورد بررسی نیز به روش حذفی انتخاب شده است. بر این اساس، شرکت‌های مورد بررسی باید طی دوره مورد بررسی فعالیت مستمر داشته و سهام آن‌ها بدون وقفه با اهمیت، مورد معامله قرار گرفته باشد. به دلیل ماهیت خاص فعالیت، جز صنعت بانک‌ها و مؤسسات مالی نباشند و کلیه اطلاعات مالی و غیرمالی مورد نیاز، از جمله یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی آن‌ها، در دسترس باشد. در نهایت، با توجه به معیارهای ذکر شده، تعداد ۷۹ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۸ برای انجام این پژوهش انتخاب شده است.

۴-۳- روش پژوهش

در بسیاری از پژوهش‌ها متغیر وابسته پیوسته نبوده و ممکن است تنها دو نتیجه داشته باشد. به عنوان نمونه فقط یکی از دو ارزش یک یا صفر را بپذیرد که ارزش یک به معنای وقوع حادثه و ارزش صفر به معنای عدم وقوع آن (یا بالعکس) است. برای این گونه موارد از مدل رگرسیون لجستیک استفاده می‌شود. مدل رگرسیون لجستیک شبیه به رگرسیون معمولی است با این تفاوت که روش تخمین ضرایب یکسان نیست. در مدل رگرسیون لجستیک به جای حداقل کردن مجذور خطاها (که در رگرسیون معمولی صورت می‌گیرد) احتمالی که یک واقعه رخ می‌دهد حداکثر می‌شود. مهم‌ترین ویژگی مدل رگرسیون لجستیک این است که نیازی به برقراری فرض‌های نرمال بودن و همسانی ماتریس‌های کوواریانس ندارد. در این پژوهش از یک طبقه‌بندی دو وجهی برای تقسیم مؤسسات حسابرسی به دو گروه مؤسسات بزرگ و کوچک استفاده شده است. بر این اساس، مطابق روش حساس یگانه و همکاران (۱۳۸۹)، سازمان حسابرسی به دلیل تعداد کارکنان زیاد و قدمت بیشتر به عنوان مؤسسه حسابرسی بزرگ و سایر مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی به عنوان مؤسسات حسابرسی کوچک مورد بررسی قرار می‌گیرند. از آنجا که پژوهش حاضر به دنبال بررسی تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکت‌های ایرانی بر انتخاب مؤسسات حسابرسی در یک مقطع زمانی ۹ ساله، از سال ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۸ است، مطابق با پژوهش‌های انجام شده توسط کان و همکاران (Kane, et al., 2004)، وانگ و همکاران (Wang, et al., 2008)، گیوده‌امی و همکاران (Guedhami, et al., 2009) و لین و همکاران (Lin & Liu, 2009)، در این پژوهش از مدل رگرسیون لجستیک چند متغیره استفاده شده است. مدل کلی رگرسیون لجستیک چند متغیره عبارت است از:

$$\ln\left(\frac{P}{1-P}\right) = \sum_{j=1}^T \beta_j X_{ij} + \varepsilon_{it}$$

$\ln\left(\frac{p}{1-p}\right)$: میزان درست نمایی مدل، β_j : ضرایب جزئی مدل، X_{ij} : متغیرهای مستقل مدل و ε_{it} جمله اختلال مدل است. در مدل‌های رگرسیون لجستیک، معنی‌دار بودن کلی مدل با استفاده از آماره کای مربع انجام می‌شود. آماره کای مربع، فرضیه صفر را مبنی بر این که ضرایب متغیرهای مستقل برابر صفر هستند، آزمون می‌کند. در صورتی که مقدار معنی‌داری آماره آزمون، کمتر از ۰/۰۵ باشد، فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن تمامی ضرایب متغیرهای مستقل پذیرفته نمی‌شود و حداقل یکی از ضرایب معنی‌دار است. بنابراین، مدل رگرسیون لجستیک در کل معنی‌دار است. نیکویی برازش مدل‌های

رگرسیون لجستیک نیز با استفاده از آزمون هاسمر و لمشو بررسی می‌شود. در این آزمون که با استفاده از آماره کای مربع انجام می‌شود، اگر مقدار معنی‌داری مربوط به آماره آزمون کمتر از ۰/۰۵ باشد، مدل با مشاهدات واقعی برازش ندارد. لیکن، مقدار معنی‌داری بیشتر از ۰/۰۵، نشان‌دهنده نیکویی برازش مدل است (کاظم نژاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۶۳). افزون بر این، معمولاً در حجم زیاد نمونه، آزمون این که هر یک از ضرایب جزئی برابر صفر است یا خیر، توسط آماره والد که یک توزیع کای مربع است، انجام می‌شود. زمانی که درجه آزادی یک است، به صورت ساده آماره والد عبارت از مربع نتیجه تقسیم مقدار هر یک از ضرایب، بر خطای معیار آن است. زمانی که مقدار قدر مطلق ضریب رگرسیون بزرگ می‌شود، خطای معیار برآورد شده خیلی بزرگ می‌شود که این ویژگی موجب خیلی کوچک شدن آماره والد می‌شود (همان، ۱۳۸۹: ۳۶۴). در صورتی که مقدار معنی‌داری آماره آزمون، کمتر از ۰/۰۵ باشد، فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن ضریب متغیر مورد آزمون، پذیرفته نمی‌شود. در نهایت، در مدل‌های رگرسیون با متغیر وابسته دو وجهی، برای بررسی تغییرات در متغیر وابسته به ازای تغییر در متغیرهای مستقل نیز از شاخص‌هایی نظیر R^2 کاکس-اسنیل و R^2 نگلکرک استفاده می‌شود (Peng, et al., 2002). با توجه به مطالب ذکر شده، برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش از مدل رگرسیون لجستیک چند متغیره به روش داده‌های ترکیبی (داده‌های ادغام شده)، به شرح زیر استفاده شده است:

$$\ln\left(\frac{p}{1-p}\right) = \beta_0 + \beta_1(INSOWN)_{it} + \beta_2(OWNCON)_{it} + \beta_3(OUTDIR)_{it} + \beta_4(DEBT)_{it} + \beta_5(ROA)_{it} + \beta_6(ATR)_{it} + \beta_7(AGE)_{it} + \beta_8(SIZE)_{it} + \sum_{i=9}^n (IND)_{it} + \varepsilon_{it}$$

۴-۴-۴ متغیرهای پژوهش

۴-۴-۴-۱ متغیر وابسته

عبارت است از یک متغیر دو وجهی که در صورت انتخاب سازمان حسابرسی به عنوان حسابرس بزرگ عدد "یک" و در صورت انتخاب سایر مؤسسات حسابرسی عدد "صفر" را اختیار می‌کند.

۴-۴-۴-۲ متغیرهای مستقل

در این پژوهش، برای محاسبه و اندازه‌گیری متغیر درصد مالکیت سهامداران نهادی (INSOWN)، از مجموع سهام در دست کلیه سهامداران نهادی که مالک حداقل بیست درصد سهام منتشره شرکت هستند و بر تصمیم‌گیری‌های مدیریتی شرکت‌های سرمایه‌پذیر نفوذ قابل ملاحظه دارند، استفاده شده است. همچنین، برای محاسبه تمرکز مالکیت (OWNCON) از شاخص هر فیندال که برابر با مجموع

مجذور درصد مالکیت کلیه سهامدارانی است که مالک حداقل بیست درصد سهام منتشره شرکت هستند، استفاده شده است. معیار ترکیب هیأت‌مدیره (OUTDIR) نیز عبارت از نسبت اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره به کل تعداد اعضای هیأت‌مدیره است. همچنین، نسبت بدهی (DEBT) که بیانگر نقش نظارتی اعتباردهندگان است، عبارت از نسبت کل بدهی‌ها به ارزش دفتری کل دارایی‌هاست.

۳-۴-۴- متغیرها و عوامل تعدیل‌کننده

به منظور کنترل دیگر عوامل احتمالی مؤثر بر انتخاب حسابرس که در پژوهش‌های پیشین مورد بررسی قرار گرفته است، نسبت بازده دارایی‌ها (ROA: نسبت سود عملیاتی به مجموع دارایی‌ها)، نسبت گردش دارایی‌ها به عنوان معیار معکوسی از هزینه‌های نمایندگی (ATR: نسبت فروش به مجموع دارایی‌ها)، عمر شرکت (AGE: سال‌های عمر شرکت از زمان تشکیل شخصیت حقوقی شرکت تا هریک از سال‌های مورد مطالعه)، اندازه شرکت (SIZE: لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام شرکت) و نوع صنعت (IND) به عنوان متغیرهای کنترل مورد بررسی قرار گرفته است. جدول شماره ۱ نحوه گروه‌بندی صنایع را نشان می‌دهد.

جدول (۱): شرکت‌های مورد بررسی به تفکیک گروه‌های صنایع و صنعت‌های زیرمجموعه

ردیف	گروه‌های صنعت	تعداد نمونه	صنعت	تعداد نمونه
۱	صنایع خودرو و ساخت قطعات	۱۱	خودرو و ساخت قطعات	۱۱
۲	صنایع فلزی	۶	فلزات اساسی	۳
			محصولات فلزی	۳
۳	صنایع سیمان و مصالح ساختمانی	۱۶	سیمان، آهک و گچ	۸
			کاشی و سرامیک	۸
۴	صنایع شیمیایی	۱۶	شیمیایی	۱۲
			فرآورده‌های نفتی، کک و سوخت هسته‌ای	۱
			لاستیک و پلاستیک	۳
۵	صنایع کانی و معدنی	۶	استخراج کانه‌های فلزی	۱
			سایر محصولات کانی غیرفلزی	۵
۶	محصولات غذایی و آشامیدنی	۸	قند و شکر	۳
			محصولات غذایی و آشامیدنی به جز قند و شکر	۵
۷	مواد و محصولات دارویی	۱۱	دارو	۱۱
۸	سایر صنایع	۵	انتشار، چاپ و تکثیر	۱
			پیمانکاری صنعتی	۱
			ماشین‌آلات و تجهیزات	۱
			محصولات کاغذی	۱
			منسوجات	۱
	جمع	۷۹	جمع	۷۹

۵- تجزیه و تحلیل یافته‌ها و نتایج

۵-۱- آمار توصیفی

به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه محاسبه و در جدول‌های شماره ۲ الی ۴ ارائه شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود، جدول شماره ۲ کیه مشاهدات مربوط به انتخاب سازمان حسابرسی و سایر مؤسسات حسابرسی را به تفکیک سال‌های مورد بررسی نشان می‌دهد. بررسی کلی مشاهدات بیانگر این است که در حدود ۴۲٪ از مجموع ۷۱۱ مشاهده (سال- شرکت) مربوط به انتخاب سازمان حسابرسی و تقریباً ۵۸٪ از مشاهدات نیز مربوط به انتخاب سایر مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی است. همچنین، بررسی روند انتخاب مؤسسات حسابرسی در طی دوره مورد بررسی نیز بیانگر این است که به طور کلی، با گذشت زمان، تمایل به انتخاب مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی بیشتر از تمایل به انتخاب سازمان حسابرسی شده است. این تجزیه و تحلیل، مؤید نظرات و نتایج ارائه شده در پژوهش حساس یگانه و همکاران (۱۳۸۹) است. آن‌ها معتقدند که کیفیت حسابرسی دارای رابطه منفی با اندازه مؤسسه حسابرسی است و با گذشت زمان بر کیفیت کار مؤسسه‌های عضو جامعه حسابداران رسمی افزوده می‌شود.

جدول (۲): مشاهدات مربوط به انتخاب مؤسسات حسابرسی به تفکیک سال‌های مورد بررسی

سال	مجموع مشاهدات	تعداد مشاهدات		درصد مشاهدات	
		سازمان حسابرسی	سایر مؤسسات	سازمان حسابرسی	سایر مؤسسات
سال ۱۳۸۰	۷۹	۶۱	۱۸	۷۷/۲۲	۲۲/۷۸
سال ۱۳۸۱	۷۹	۵۳	۲۶	۶۷/۰۹	۳۲/۹۱
سال ۱۳۸۲	۷۹	۳۶	۴۳	۴۵/۵۷	۵۴/۴۳
سال ۱۳۸۳	۷۹	۲۶	۵۳	۳۲/۹۱	۶۷/۰۹
سال ۱۳۸۴	۷۹	۲۵	۵۴	۳۱/۶۴	۶۸/۳۶
سال ۱۳۸۵	۷۹	۲۴	۵۵	۳۰/۳۸	۶۹/۶۲
سال ۱۳۸۶	۷۹	۲۴	۵۵	۳۰/۳۸	۶۹/۶۲
سال ۱۳۸۷	۷۹	۲۵	۵۴	۳۱/۶۵	۶۸/۳۵
سال ۱۳۸۸	۷۹	۲۶	۵۳	۳۲/۹۱	۶۷/۰۹
مجموع	۷۱۱	۳۰۰	۴۱۱	۴۲/۱۹	۵۷/۸۱

جدول شماره ۳ نیز کيله مشاهدات مربوط به انتخاب سازمان حسابرسی و ساير مؤسسات حسابرسی را به تفکیک گروه‌های صنایع مورد بررسی نشان می‌دهد. بررسی کلی مشاهدات بیانگر این است که تنها در صنایع خودرو و ساخت قطعات و صنایع سیمان و مصالح ساختمانی تمایل به انتخاب سازمان حسابرسی بیشتر از تمایل به انتخاب مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی است. یکی از دلایل احتمالی این موضوع، وجود درصد بالای مالکیت دولتی و شبه دولتی در شرکت‌های فعال در این صنایع نسبت به سایر صنایع است.

جدول (۳): مشاهدات مربوط به انتخاب مؤسسات حسابرسی به تفکیک صنایع مورد بررسی

گروه‌های صنعت	مجموع مشاهدات	تعداد مشاهدات		درصد مشاهدات	
		سازمان حسابرسی	سایر مؤسسات	سازمان حسابرسی	سایر مؤسسات
صنایع خودرو و ساخت قطعات	۹۹	۵۸	۴۱	۵۸/۵۹	۴۱/۴۱
صنایع فلزی	۵۴	۲۴	۳۰	۴۴/۴۴	۵۵/۵۶
صنایع سیمان و مصالح ساختمانی	۱۴۴	۸۲	۶۲	۵۶/۹۴	۴۳/۰۶
صنایع شیمیایی	۱۴۴	۳۱	۱۱۳	۲۱/۵۳	۷۸/۴۷
صنایع کانی و معدنی	۵۴	۲۶	۲۸	۴۸/۱۵	۵۱/۸۵
محصولات غذایی و آشامیدنی	۷۲	۲۷	۴۵	۳۷/۵۰	۶۲/۵۰
مواد و محصولات دارویی	۹۹	۳۲	۶۷	۳۲/۳۲	۶۷/۶۸
سایر صنایع	۴۵	۲۰	۲۵	۴۴/۴۴	۵۵/۵۶
مجموع	۷۱۱	۳۰۰	۴۱۱	۴۲/۱۹	۵۷/۸۱

همچنین، جدول شماره ۴ نیز آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مورد بررسی را به تفکیک نوع مؤسسات حسابرسی نشان می‌دهد.

جدول (۴): آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش به تفکیک مؤسسات حسابرسی منتخب

انحراف استاندارد		میانگین		بیشینه		کمینه		
سایر مؤسسات	سازمان حسابرسی	سایر مؤسسات	سازمان حسابرسی	سایر مؤسسات	سازمان حسابرسی	سایر مؤسسات	سازمان حسابرسی	
۰/۳۰۱	۰/۳۰۹	۰/۳۴۳	۰/۵۱۴	۰/۹۹۷	۰/۹۹۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	درصد مالکیت نهادی
۰/۱۵۹	۰/۲۲۳	۰/۲۸۹	۰/۳۶۵	۰/۹۹۳	۰/۹۹۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	تمرکز مالکیت
۰/۲۰۰	۰/۱۵۸	۰/۶۵۲	۰/۵۹۵	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	درصد اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره
۰/۱۵۹	۰/۱۴۴	۰/۶۸۸	۰/۶۷۸	۰/۹۷۹	۰/۹۷۹	۰/۱۶۹	۰/۲۱۷	نسبت بدهی
۰/۱۲۸	۰/۱۲۴	۰/۱۵۲	۰/۱۸۶	۰/۶۴۷	۰/۶۷۶	-۰/۳۶۶	-۰/۱۱۱	نسبت بازده دارایی‌ها
۰/۳۶۹	۰/۳۱۵	۰/۷۴۹	۰/۸۱۹	۲/۰۱	۲/۲۰	۰/۰۳۵	۰/۰۷۲	نسبت گردش دارایی‌ها
۱۰/۴۸	۱۱/۱۲	۳۸/۹۶	۳۲/۷۰	۷۴	۵۹	۱۷	۱۳	عمر شرکت
۱/۴۷	۱/۴۵	۱۲/۴۳	۱۲/۷۶	۱۷/۰۵	۱۶/۹۶	۹/۲۷۲	۹/۰۴	اندازه شرکت

۵-۲- آماره استنباطی

۵-۲-۱- بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

به منظور بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها، از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شده است. همانطور که در جدول شماره ۵ ملاحظه می‌شود، مقدار معنی‌داری مربوط به آماره آزمون کلیه متغیرهای پژوهش کمتر از ۰/۰۵ است که بیانگر رد فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن متغیرهاست. بنابراین، کلیه متغیرهای مستقل و کنترلی پژوهش در سطح خطای ۰/۰۵ نرمال نیستند.

جدول (۵): نتایج آماری حاصل از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف

معنی داری	درجه آزادی	آماره آزمون	متغیرهای مورد بررسی
۰/۰۰۰	۷۱۱	۰/۲۰۵	مالکیت نهادی
۰/۰۰۰	۷۱۱	۰/۱۲۶	تمرکز مالکیت
۰/۰۰۰	۷۱۱	۰/۱۹۶	اعضای غیرموظف هیأت مدیره
۰/۰۰۰	۷۱۱	۰/۰۷۰	نسبت بدهی
۰/۰۰۰	۷۱۱	۰/۰۸۱	نسبت بازده دارایی‌ها
۰/۰۰۲	۷۱۱	۰/۰۴۵	نسبت گردش دارایی‌ها
۰/۰۰۰	۷۱۱	۰/۰۵۱	عمر شرکت
۰/۰۰۵	۷۱۱	۰/۰۴۲	اندازه شرکت

۵-۲-۲- آزمون برابری میانگین‌های دو جامعه

با در نظر گرفتن نرمال نبودن متغیرهای پژوهش، به منظور مقایسه اولیه شرکت‌های طبقه‌بندی شده بر مبنای نوع مؤسسات حسابرسی، از آزمون برابری میانگین‌های دو جامعه استفاده شده است. بدین منظور، ابتدا از آزمون من-ویتنی، که در آن هیچ گونه پیش فرضی برای توزیع متغیرها در نظر گرفته نمی‌شود، استفاده شده است. نتایج آماری حاصل از این آزمون، در جدول شماره ۶ ارائه شده است.

جدول (۶): نتایج آماری حاصل از آزمون «U»

معنی داری	آماره Z	آماره ویلکاکسن	آماره من-ویتنی	متغیرهای مورد بررسی
۰/۰۰۰	-۷/۰۸۵	۱۲۷۴۱۲	۴۲۴۷۶	درصد مالکیت نهادی
۰/۰۰۰	-۴/۴۰۱	۱۳۴۴۱۲	۴۹۷۴۶	تمرکز مالکیت
۰/۰۰۰	-۵/۲۴۱	۹۳۲۲۴	۴۸۰۷۴	درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره
۰/۱۷۹	-۱/۳۴۲	۱۰۳۱۶۹	۵۸۰۱۹	نسبت بدهی
۰/۰۰۰	-۴/۰۷۸	۱۳۵۲۸۶	۵۰۶۲۰	نسبت بازده دارایی‌ها
۰/۰۰۱	-۳/۲۹۹	۱۳۷۳۹۳	۵۲۷۲۷	نسبت گردش دارایی‌ها
۰/۰۰۰	-۶/۸۱۲	۸۸۳۸۰	۴۳۲۳۰	عمر شرکت
۰/۰۰۱	-۳/۲۸۹	۱۳۷۴۲۰	۵۲۷۵۴	اندازه شرکت

همانطور که در جدول شماره ۶ ملاحظه می‌شود، مقادیر معنی داری به دست آمده از آزمون من-ویتنی بیانگر این است که در جامعه‌های مورد بررسی بین میانگین متغیرهای درصد مالکیت نهادی،

تمرکز مالکیت، درصد اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره، بازده دارایی‌ها، گردش دارایی‌ها، عمر شرکت و اندازه شرکت اختلاف معنی‌داری وجود دارد.

۵-۲-۳- نتایج آماری حاصل از برآورد مدل رگرسیون لجستیک

با توجه به اهمیت حسابرسی مستقل در فرآیند کنترل و نظارت بر شرکت‌ها، تأثیر ساز و کارهای راهبری شرکتی بر انتخاب حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفته است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، متغیر وابسته یعنی اندازه حسابرس منتخب به همراه متغیرهای مستقل مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت، درصد اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره، اهرم مالی و متغیرهای کنترلی وارد مدل شده است. نتایج حاصل از بررسی کلی مدل پژوهش در جدول شماره ۷ و نتایج آماری مربوط به ضرایب متغیرهای مستقل و کنترلی نیز در جدول شماره ۸ ارائه شده است. همانطور که در جدول شماره ۷ ملاحظه می‌شود، میزان آماره کای مربع و سطح معنی‌داری مربوط به این آماره بیانگر معنی‌دار بودن کل مدل است. مقایسه سطح معنی‌داری آماره هاسمر و لمشو با میزان خطای ۵٪ نیز نشان‌دهنده انطباق مناسب مدل با مشاهدات واقعی (نیکویی برازش مدل) است. مقدار شاخص‌های R^2 کاکس-اسنیل و R^2 نگلکرک در مدل نیز، به ترتیب، برابر با ۰/۲۵۸ و ۰/۳۴۶ است که بیانگر قدرت پیش‌بینی مناسب مدل است.

جدول (۷): نتایج حاصل از بررسی کلی مدل - فرضیه فرعی اول

آماره کای مربع	معنی‌داری	آماره هاسمر و لمشو	معنی‌داری	R^2 کاکس-اسنیل	R^2 نگلکرک
۲۱۱/۷۱۱	۰/۰۰۰	۷/۴۰۹	۰/۴۹۳	۰/۲۵۸	۰/۳۴۶

همانطور که در جدول شماره ۸ نیز ملاحظه می‌شود، مقدار معنی‌داری آماره والد مربوط به متغیرهای مستقل بیانگر این است که بین درصد مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت با اندازه حسابرس رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد. از این رو، فرضیه‌های اول و دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ پذیرفته می‌شود. با این وجود، سطح معنی‌داری آماره والد مربوط به متغیرهای درصد اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره و نسبت بدهی نشان‌دهنده این است که ترکیب هیأت‌مدیره و نقش نظارت اعتباردهندگان تأثیر معنی‌داری بر اندازه حسابرس منتخب ندارند. بنابراین، فرضیه سوم و چهارم پژوهش پذیرفته نمی‌شود. نتایج مربوط به متغیرهای کنترلی نیز بیانگر این است که بین متغیرهای نسبت گردش دارایی‌ها و اندازه شرکت با اندازه حسابرس منتخب رابطه معنی‌دار و مثبت و بین متغیر نسبت گردش دارایی‌ها و اندازه حسابرس منتخب رابطه معنی‌دار و منفی وجود دارد. با این وجود، مقدار معنی‌داری

آماره والد مربوط به متغیر بازده دارایی‌ها و مقدار معنی‌داری مربوط به برخی از متغیرهای مجازی صنعت نیز بیانگر این است که به طور کلی، اندازه حسابرس منتخب در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تحت تأثیر این متغیرها قرار ندارد.

جدول (۸): نتایج آماری مربوط به ضرایب متغیرهای مدل

متغیرهای مورد بررسی	ضریب	آماره والد	معنی‌داری	نسبت شانس
درصد مالکیت نهادی	۱/۶۸۸	۲۱/۰۱۷	۰/۰۰۰	۵/۴۱۰
تمرکز مالکیت	۱/۱۲۲	۴/۱۰۵	۰/۰۴۳	۳/۰۷۱
درصد اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره	-۰/۶۸۲	۱/۵۸۲	۰/۲۰۸	۰/۵۰۶
نسبت بدهی	۰/۳۱۵	۰/۲۰۰	۰/۶۵۴	۱/۳۷۰
نسبت بازده دارایی‌ها	۰/۴۶۵	۰/۱۹۲	۰/۶۶۱	۱/۵۹۳
نسبت گردش دارایی‌ها	۱/۲۳۳	۱۴/۱۰۱	۰/۰۰۰	۳/۴۳۰
عمر شرکت	-۰/۰۶۲	۴۰/۲۶۰	۰/۰۰۰	۰/۹۴۰
اندازه شرکت	۰/۱۹۳	۶/۳۲۴	۰/۰۱۲	۱/۲۱۳
صنایع فلزی	۰/۴۶۸	۰/۹۵۲	۰/۳۲۹	۱/۵۹۷
صنایع خودرو و ساخت قطعات	-۰/۵۰۵	۱/۲۹۷	۰/۲۵۵	۰/۶۰۴
صنایع سیمان و مصالح ساختمانی	-۰/۲۲۶	۰/۳۰۴	۰/۵۸۱	۰/۷۹۸
صنایع شیمیایی	۲/۰۰۴	۲۱/۱۲۴	۰/۰۰۰	۷/۴۲۱
صنایع کانی و معدنی	-۰/۳۴۴	۰/۵۳۵	۰/۴۶۵	۰/۷۰۹
محصولات غذایی و آشامیدنی	۰/۱۲۸	۰/۰۶۹	۰/۷۹۲	۱/۱۳۷
مواد و محصولات دارویی	۰/۹۴۴	۴/۵۳۰	۰/۰۳۳	۲/۵۶۹
مقدار ثابت	-۴/۵۱۶	۳/۰۵۰	۰/۰۸۱	۰/۰۱۱

۶- بحث و نتیجه‌گیری

انتخاب حسابرس یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح در فرآیند اداره شرکت‌هاست. به این منظور، این پژوهش، به بررسی تجربی تأثیر نظام راهبری شرکتی بر انتخاب حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های اول و دوم پژوهش نشان‌دهنده این است که بین درصد مالکیت نهادی و میزان تمرکز مالکیت با اندازه حسابرس منتخب در شرکت‌های مورد بررسی، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. به بیان دیگر، با افزایش در میزان سهام در دست مالکان نهادی و تمرکز مالکیت، احتمال انتخاب سازمان حسابرسی توسط شرکت‌های

پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران افزایش پیدا می‌کند. این نتیجه که در ظاهر با یافته‌های پژوهش کان و همکاری (Kane, et al., 2004) مطابقت دارد و با نتایج پژوهش‌های وانگ و همکاران (Wang, et al., 2008)، نیسکانن و همکاران (Niskanen, et al., 2009)، لین و همکاران (Lin, et al., 2009) و گیودهامی و همکاران (Guedhami, et al., 2009) مطابقت ندارد، احتمالاً ناشی از تمرکز مالکیت نهادی دولتی یا شبه دولتی در شرکت‌های مورد بررسی است. با در نظر گرفتن یافته‌های پژوهش حساس یگانه و همکاران (۱۳۸۹) مبنی بر رابطه معکوس بین اندازه حسابرسی و کیفیت حسابرسی نیز می‌توان بیان داشت که در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، افزایش مالکیت دولتی و شبه دولتی باعث افزایش تمایل به انتخاب حسابرسی با کیفیت پایین می‌شود.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم پژوهش نشان‌دهنده این است که بین درصد اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره و اندازه حسابرسی منتخب در شرکت‌های مورد بررسی، رابطه معنی‌داری وجود ندارد. این نتایج نیز احتمالاً ناشی از این موضوع است که بزرگ‌تر شدن سازمان‌ها و تمرکز مالکیت دولتی یا شبه دولتی در شرکت‌های مورد بررسی و انگیزه‌ها و استراتژی‌های متفاوت گروه‌های ذینفع در این شرکت‌ها برای سرمایه‌گذاری و راهبری تلاش‌های شرکت، احتمالاً باعث می‌شود که نقش هیأت‌مدیره در تعیین خط‌مشی‌های مدیریتی بسیار کم رنگ شود (مهدوی و همکاران، ۱۳۹۰). پژوهشگرانی همچون کاشانی‌پور و همکاران (۱۳۸۸) و مهدوی و همکاران (۱۳۹۰) نیز شواهدی را مبنی بر تأثیر ترکیب هیأت‌مدیره بر راهبری تلاش‌های شرکت و تعیین خط‌مشی‌های مدیریتی نیافتند. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه چهارم پژوهش نیز نشان‌دهنده این است که بین نسبت بدهی و اندازه حسابرسی منتخب در شرکت‌های مورد بررسی، رابطه معنی‌داری وجود ندارد. این نتیجه که با یافته‌های پژوهش لین و همکاران (Lin, et al., 2009) مطابقت دارد و احتمالاً ناشی از این موضوع است که اعتباردهندگان به شرکت‌های مورد بررسی از قدرت نظارتی کافی برخوردار نیستند. این نتایج، همچنین، مؤید نتایج پژوهش نورو و همکاران (۱۳۸۸) است. آن‌ها نشان دادند که نسبت بدهی و هزینه‌های نمایندگی ارتباط معنی‌داری وجود ندارد.

در نهایت، قابل ذکر است که به دلیل عدم وجود اطلاعات قابل اتکا در خصوص ساختار سازمانی مؤسسات حسابرسی منتخب در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در تفسیر و تعمیم نتایج باید به این نکته توجه شود که احتمال دارد تعریف و تفسیر سازمان حسابرسی به عنوان حسابرسی بزرگ بر رابطه بین متغیرهای مورد مطالعه اثر گذاشته باشد. با این وجود، پیشنهاد می‌شود که

نتایج این پژوهش در تدوین و تصویب آیین‌نامه نظام راهبری (حاکمیت شرکتی) در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود که جامعه حسابداران رسمی ایران، با در نظر گرفتن معیارهای گوناگونی از کیفیت حسابرسی، اقدام به رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی کند. به سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی نیز پیشنهاد می‌شود که در تصمیم‌گیری‌های خود به کیفیت مؤسسات حسابرسی که شرکت‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهند، توجه کنند. در نهایت، به سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که سایر مؤسسات حسابرسی را با استفاده از معیارهای گوناگون نظیر عمر مؤسسات، تعداد شرکا، تعداد کارکنان و حوزه فعالیت آن‌ها رده‌بندی کرده و اقدام به بررسی عوامل اثرگذار بر انتخاب مؤسسات کنند. استفاده از الگوهای ریاضی و آماری جدید نظیر شبکه‌های عصبی نیز، برای پیش‌بینی احتمال انتخاب مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر توصیه می‌شود. همچنین، پژوهشگران می‌توانند تأثیر سایر عوامل نظیر عملکرد مدیران، میزان تجربه و سطح تحصیلات آن‌ها را بر میزان تقاضا برای کیفیت خدمات حسابرسی بررسی کنند.

Archive of SID

منابع و مأخذ:

۱. امیراصلانی، حامی (مترجم) (۱۳۸۴). «نقش اقتصادی حسابرسی در بازارهای آزاد و بازارهای تحت نظارت»، چاپ دوم، تهران: مدیریت تدوین استانداردها - سازمان حسابرسی.
۲. حساس یگانه، یحیی و کاوه آذین‌فر (۱۳۸۹). «رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه مؤسسه حسابرسی»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷، شماره ۶۱، صص ۸۵-۹۸.
۳. رضازاده، جواد و کمال زارعی مروج (۱۳۸۶). «عوامل موثر بر تغییر حسابرسان شرکت‌های ایرانی»، فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۲۰، صص ۸۹-۱۰۵.
۴. کاشانی‌پور، محمد؛ رحمانی، علی؛ و سیدمهدی پارچینی‌پارچین (۱۳۸۸). «رابطه بین افشای اختیاری و مدیران غیرموظف»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۵۷، صص ۸۵-۱۰۰.
۵. کاظم‌نژاد، انوشیروان؛ حیدری، محمدرضا؛ و رضا نوروززاده (۱۳۸۹). روش‌های آماری در پژوهش‌های مراقبت‌های بهداشتی و کاربرد SPSS در تحلیل داده‌ها، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه‌نگر.
۶. مهدوی، غلامحسین و نریمان کارجوی‌رافع (۱۳۸۴). «بررسی تأثیر استانداردهای ملی حسابداری بر کیفیت اظهار نظر حسابرسان مستقل»، مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز، شماره دوم، دوره بیست و دوم (پیاپی ۴۳)، صص ۱۴۶-۱۳۲.
۷. مهدوی، غلامحسین و محمد منفردمه‌ارلوئی (۱۳۹۰). «ترکیب هیأت‌مدیره و هزینه‌های نمایندگی (بررسی مفروضات تئوری مباشرت در شرکت‌های ایرانی)»، تحقیقات حسابداری، شماره دهم، تابستان ۱۳۹۰، زیر چاپ.
۸. نوروش، ایرج؛ کرمی، غلامرضا؛ و جلال وافی‌ثانی (۱۳۸۸). «بررسی رابطه ساز و کارهای نظام راهبری شرکت و هزینه‌های نمایندگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، تحقیقات حسابداری، شماره اول، بهار، صص ۲۷-۴.
9. Ashbaugh, H.; and T. D. Warfield (2003), "Audits as a Corporate Governance Mechanism: Evidence from the German Market", *Journal of International Accounting Research*, Vol. 2, pp. 1-21.
10. Beasley, M.S.; and K. R. Petroni (2001), "Board Independence and Audit-Firm Type", *A Journal of Practice & Theory*, pp. 97-114.
11. Chan, K. H.; Lin. K. Z.; and F. Zhang (2007), "On the Association between Changes in Corporate Ownership and Changes in Auditor Quality in a

- Transitional Economy", *Journal of International Accounting Research*, Vol. 6, No. 1, pp. 19-36.
12. DeAngelo, L. E. (1981), "Auditor size and audit quality", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 3, No. 3, pp. 183-199.
 13. DeFond, M. L. (1992), "The Association between Changes in Client Firm Agency Costs and Auditor Switching", *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 11, No. 1, pp. 16-31.
 14. Fan, J. P. H.; and T. J. Wong (2005), "Do External Auditors Perform a Corporate Governance Role in Emerging Markets? Evidence from East Asia", *Journal of Accounting Research*, Vol. 43, No. 1, pp. 35-72.
 15. Fargher, N.; Taylor, M. H.; and D. T. Simon (2001), "The Demand for Auditor Reputation Across International Markets for Audit Services", *The International Journal of Accounting*, pp.407-421.
 16. Francis, J. R.; and E. R. Wilson (1988), "Auditor Change: a Joint Test of Theories Relating to Agency Costs and Differentiation", *The Accounting Review*, pp. 663-682.
 17. Guedhami, O.; Pittman, J. A.; and W. Saffar (2009), "Auditor Choice in Privatized Firms: Empirical Evidence on the Role of State and Foreign Owners", *Journal of Accounting and Economics*, pp. 151-17.
 18. Hossain, M.; Lim, C.; and P. Tan (2010), "Corporate Governance, Legal Environment, and Auditor Choice in Emerging Markets", *Review of Pacific Basin Financial Markets and Policies*, Vol. 13, No. 1, pp. 91-126.
 19. Jensen, M. C.; and W. H. Meckling (1976), "Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure", *Journal of Financial Economics*, Vol. 3, No. 4, pp. 305-360.
 20. Kane, G. D.; and U. Velury (2004), "The Role of Institutional Ownership in the Market for Auditing Services: An Empirical Investigation", *Journal of Business Research*, pp. 976-983.
 21. Lin, Z. J.; and M. Liu (2009), "The Impact of Corporate Governance on Auditor Choice: Evidence from China", *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, pp. 44-59.
 22. Niskanen, M.; Karjalainen, J.; and J. Niskanen (2009), "Demand for Audit Quality in Small Private Firms: Evidence on Ownership Effects", Available at: <http://ssrn.com/abstract=1324599>.
 23. Peng, C.; Lee, K.; and G. M. Ingersoll (2002), "An Introduction to Logistic Regression Analysis and Reporting", *the Journal of Educational Research*, pp. 3-14.
 24. Piot, C. (2001), "Agency Costs and Audit Quality: Evidence from France", *The European Accounting Review*, pp. 461-499.

25. Wang, Q.; Wong, T. J.; and L. Xia (2008), "State Ownership, the Institutional Environment, and Auditor Choice: Evidence from China", *Journal of Accounting and Economics*, pp. 112-134.

Archive of SID